

## فهرست

پیشگفتار - قضا و شهادت در نظام قضایی اسلام .....	۱۵
گفتار در قضا و شهادت .....	۱۶
فصل اول - بخش اول / «نحوه رسیدگی به شکایت» .....	۳۲
لایحه جدید قانون مجازات اسلامی .....	۳۳
فصل اول - بخش دوم / انواع شکوائیه منطبق با قانون مجازات اسلامی جدید مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۷ .....	۵۶
نمونه استعمال مشروبات الکلی «به صورت علنی» .....	۵۷
نمونه عدم استرداد طفل .....	۵۸
نمونه ضرب و جرح عمدی توسط شوهر .....	۵۹
نمونه افتراء / قذف / توسط شوهر .....	۶۰
نمونه ترک انفاق .....	۶۱
نمونه اعمال منافی عفت (غیر از زنا) رابطه نامشروع / تقبیل / مضاجعه «از طرف همسر» .....	۶۲
نمونه ازدواج قبل از بلوغ بدون اذن ولی قهری .....	۶۳
نمونه ازدواج دائم بدون ثبت در دفترخانه رسمی ازدواج .....	۶۴
نمونه تدلیس در ازدواج / فریب در ازدواج .....	۶۵
نمونه هتک حرمت (نامزدی) .....	۶۶
نمونه ایجاد مزاحمت به بهانه خواستگاری .....	۶۷
نمونه شکایت کیفری به طرفیت دفترخانه ازدواج بدلیل تخلف در ثبت ازدواج دوم بدون اجازه دادگاه .....	۶۸
نمونه شکایت کیفری قوادی .....	۶۹
نمونه شکایت کیفری "قذف" .....	۷۰
نمونه شکایت کیفری بی احتیاطی در امر رانندگی منجر به ایراد «صدمه بدنی» .....	۷۱

- نمونه شکایت کیفری قتل شبه عمدی ناشی از تصادف خودرو (بدون گواهینامه) ..... ۷۲
- نمونه شکایت کیفری قتل غیرعمدی ناشی از حوادث رانندگی از ناحیه اولیاء متوفی ..... ۷۳
- نمونه شکایت کیفری قتل غیرعمد - ناشی از حوادث رانندگی از ناحیه اولیاء متوفی ..... ۷۴
- نمونه شکایت کیفری تغییر شماره شاسی خودرو ..... ۷۵
- نمونه شکایت کیفری رانندگی بدون گواهینامه ..... ۷۶
- نمونه شکایت کیفری عدم اعلام سرقت / مفقودیت / پلاک خودرو (دادگاه عمومی بخش ..... ۷۷
- نمونه شکایت کیفری تغییر پلاک / شاسی و ..... خودروی ایتبایی بدون مجوز ..... ۷۸
- نمونه شکایت کیفری قتل شبه عمدی بر اثر بی احتیاطی در امر رانندگی ..... ۷۹
- نمونه شکایت کیفری چک بلامحل ..... ۸۰
- نمونه شکایت کیفری خیانت در امانت ..... ۸۱
- نمونه شکایت کیفری سوء استفاده از مهر یا برگ سفید امضاء بدون مجوز ..... ۸۲
- نمونه شکایت کیفری خیانت در امانت (جعل معنوی) ..... ۸۳
- نمونه شکایت کیفری خیانت در امانت ..... ۸۴
- نمونه شکایت کیفری استعمال - تصاحب - تلف - مفقود نمودن اموال منقول یا غیرمنقول که به عنوان اجاره - امانت / رهن / وکالت و ... / سپرده شده تا به مصرف معین برسد و یا مسترد شود ..... ۸۵
- نمونه شکایت کیفری اخذ سند یا نوشته یا امضاء بصورت جبری با اکراه و تهدید ..... ۸۶
- نمونه شکایت کیفری قرار دادن آلات جرم برای متهم جلوه دادن ..... ۸۷
- نمونه شکایت کیفری قرار دادن آلات جرم در جیب دیگری برای متهم جلوه دادن وی ..... ۸۸
- نمونه شکایت کیفری ورود غیرقانونی مأمور به منزل ..... ۸۹
- نمونه شکایت کیفری ورود طلبکار همراه مأمور به داخل خانه ..... ۹۰
- نمونه شکایت کیفری اقدام به قتل عمد ..... ۹۱
- نمونه شکایت کیفری تهدید به قتل ..... ۹۲
- نمونه شکایت کیفری فروش مال توقیفی ..... ۹۳
- نمونه شکایت کیفری اجبار مالک به فروش توسط افراد صاحب منصب دولتی ..... ۹۴
- نمونه شکایت کیفری «شکایت خلاف واقع» ..... ۹۵
- نمونه شکایت کیفری سوء استفاده از حق تظلم ..... ۹۵
- نمونه شکایت کیفری «شکایت خلاف واقع» سوء استفاده از حق تظلم ..... ۹۶
- نمونه شکایت کیفری «شکایت خلاف واقع» سوء استفاده از حق تظلم ..... ۹۷
- نمونه شکایت کیفری «شکایت خلاف واقع» سوء استفاده از حق تظلم ..... ۹۸
- نمونه شکایت کیفری تصرف عدوانی توأم با ابتناء ..... ۹۹
- نمونه شکایت کیفری تصرف عدوانی ..... ۱۰۰
- نمونه شکایت کیفری تصرف عدوانی توأم با ابتناء ..... ۱۰۱
- نمونه شکایت کیفری ایجاد مزاحمت ملکی (مانعت از حق) ..... ۱۰۲

- نمونه شکایت کیفری ممانعت از حق ..... ۱۰۳
- نمونه شکایت کیفری ورود به عنف / تخریب ..... ۱۰۴
- نمونه شکایت کیفری مسموم نمودن حیوانات (ماهی) / تسمیم ..... ۱۰۵
- نمونه شکایت کیفری کشتن ۲ رأس گاو متعلق به غیر ..... ۱۰۶
- نمونه شکایت کیفری چراندن محصول ..... ۱۰۷
- نمونه شکایت کیفری تخریب و آتش زدن محصول گندم (تحریق) ..... ۱۰۸
- نمونه شکایت کیفری ایجاد حریق عمدی ..... ۱۰۹
- نمونه شکایت کیفری ایجاد حریق عمدی ..... ۱۱۰
- نمونه شکایت کیفری تخریب عمدی اشیاء منقول / غیر منقول ..... ۱۱۱
- نمونه شکایت کیفری تحصیل منافع غیر «اجاره» ..... ۱۱۲
- نمونه شکایت کیفری تغییر غیر قانونی کاربری اراضی / شاکی اداره جهاد کشاورزی ..... ۱۱۳
- نمونه شکایت کیفری تغییر کاربری اراضی کشاورزی / شاکی اداره جهاد کشاورزی ..... ۱۱۴
- نمونه شکایت کیفری ربایش مال غیر سند اتومبیل / قولنامه ..... ۱۱۵
- نمونه شکایت کیفری کلاهبرداری از طریق فروش مال غیر زمین / ملک مسکونی / آپارتمان / مغازه / باغ ..... ۱۱۶
- نمونه شکایت کیفری انتقال مال غیر ..... ۱۱۷
- نمونه شکایت کیفری انشعاب غیر مجاز آب ..... ۱۱۸
- نمونه شکایت کیفری انشعاب غیر مجاز برق ..... ۱۱۹
- نمونه شکایت کیفری سرقت مقرون به آزار و اذیت به وسیله چاقو ..... ۱۲۰
- نمونه شکایت کیفری سرقت ..... ۱۲۱
- نمونه شکایت کیفری سرقت در شب با سلاح گرم ..... ۱۲۲
- نمونه شکایت کیفری افشاء سر ..... ۱۲۳
- نمونه شکایت کیفری شهادت کذب ..... ۱۲۴
- نمونه شکایت کیفری مزاحمت تلفنی ..... ۱۲۵
- نمونه شکایت کیفری آدم ربائی و اخذ سند با زور و تهدید ..... ۱۲۶
- نمونه شکایت کیفری آدم ربائی توأم به ملامسه ..... ۱۲۷
- نمونه شکایت کیفری ضربه ای که باعث زوال عقل شده است ..... ۱۲۸
- نمونه شکایت کیفری ضربه ای که باعث نقصان یکی از حواس شده است ..... ۱۲۹
- نمونه شکایت کیفری آزار و اذیت بدنی متهم "موادمخدر" توسط مأمورین ..... ۱۳۰
- نمونه شکایت کیفری تظاهر و قدرت نمایی به وسیله چاقو به منظور اخاذی ..... ۱۳۱
- نمونه شکایت کیفری ضرب و جرح عمدی با چاقو ..... ۱۳۲
- نمونه شکایت کیفری شرکت در نزاع دسته جمعی منتهی به قتل ..... ۱۳۳
- نمونه شکایت کیفری شرکت در نزاع دسته جمعی منجر به نقص عضو ..... ۱۳۴

- ۱۳۵ ..... نمونه شکایت کیفری شرکت در نزاع دسته‌جمعی منجر به ضرب و جرح
- ۱۳۶ ..... نمونه شکایت کیفری مزاحمت بوسیله چاقو - تظاهر و قدرت‌نمایی / فحاشی
- ۱۳۷ ..... نمونه شکایت کیفری اخاذی بوسیله چاقو
- ۱۳۸ ..... نمونه شکایت کیفری اخلال در نظم و آرامش عمومی
- ۱۳۹ ..... نمونه شکایت کیفری توهین و فحاشی
- ۱۴۰ ..... نمونه شکایت کیفری ربا
- ۱۴۱ ..... نمونه شکایت کیفری ربا (نزول)
- ۱۴۲ ..... نمونه شکایت کیفری تفریض توأم با آدم‌ربایی
- ۱۴۳ ..... نمونه شکایت کیفری لواط مستوجب «حد»
- ۱۴۴ ..... نمونه شکایت کیفری زناى به عنف با تهدید چاقو همراه با ضرب و جرح
- ۱۴۵ ..... نمونه شکایت کیفری ارتکاب عمل منافی عفت دون زنا
- ۱۴۶ ..... نمونه شکایت کیفری استفاده از اسکناس جعلی
- ۱۴۷ ..... نمونه شکایت کیفری استفاده و استعمال اسکناس جعلی
- ۱۴۸ ..... نمونه شکایت کیفری فروش سکه تقلبی
- ۱۴۹ ..... نمونه شکایت کیفری جعل سند عادی
- ۱۵۰ ..... نمونه شکایت کیفری خراشیدن سند رسمی
- ۱۵۱ ..... نمونه شکایت کیفری بازداشت غیر قانونی توسط مقام قضائی و مأمور
- ۱۵۲ ..... نمونه شکایت کیفری بازداشت غیر قانونی توسط مأمور
- ۱۵۳ ..... نمونه شکایت کیفری بازداشت غیر قانونی توسط مقام قضائی
- ۱۵۴ ..... نمونه شکایت کیفری ورود به منزل بدون اجازه از مقام قضائی
- ۱۵۵ ..... نمونه شکایت کیفری ضرب و جرح جهت اخذ اقرار توسط مأمور / مأمورین
- ۱۵۶ ..... نمونه شکایت کیفری تمرد نسبت به مأمورین دولت
- ۱۵۷ ..... نمونه شکایت کیفری بازداشت غیرقانونی توسط مأمور
- ۱۵۸ ..... نمونه شکایت کیفری زندانی که پس از اتمام مرخصی خود را معرفی ننموده است
- ۱۵۹ ..... نمونه شکایت کیفری سهل‌انگاری مأمور منجر به فرار متهم یا زندانی
- نمونه شکایت کیفری مساعدت مأمور جهت فرار زندانی که حکم آن مجازات اعدام - رجم - صلب / یا زندان سه تا ده سال یا ده سال به بالا
- ۱۶۰ ..... نمونه شکایت کیفری مساعدت مأمور جهت فرار زندانی محکوم به پرداخت / دیه / مال
- ۱۶۱ ..... نمونه شکایت کیفری علیه مأمور / مأمورین دولتی که برطبق قانون مأمور دستگیری فردی بوده که در اجرای وظیفه مسامحه و اهمال نموده است
- ۱۶۲ ..... نمونه شکایت کیفری مسامحه و اهمال مأمور به قصد مساعدت در فرار متهم
- ۱۶۳ ..... نمونه شکایت کیفری علیه شخصی که بدون سمت یا اذن از طرف دولت خود را سردار / سرهنگ / مأمور اطلاعات / و امثالهم معرفی نموده است
- ۱۶۴ .....

نمونه شکایت کیفری اختفاء و مساعدت جهت فرار متهم یا محکوم به اعدام یا رجم یا قصاص و امثالهم .....	۱۶۵
نمونه شکایت کیفری علیه شخصی که اقدام به مخفی نمودن ادله جرم نموده است .....	۱۶۶
نمونه شکایت کیفری سرقت و قتل عمدی / خرید مال مسروقه .....	۱۶۷
نمونه شکایت کیفری قتل عمد .....	۱۶۸
نمونه شکایت کیفری قتل عمد بوسیله چاقو .....	۱۶۹
نمونه شکایت کیفری مظنون به قتل .....	۱۷۰
نمونه شکایت کیفری کور نمودن عمدی چشم (قصاص) .....	۱۷۱
نمونه شکایت کیفری قطع یا بریدن گوش .....	۱۷۲
نمونه شکایت کیفری بریده شدن بینی (قصاص) .....	۱۷۳
نمونه شکایت کیفری بریده شدن نوک زبان (قصاص) .....	۱۷۴
نمونه شکایت کیفری شکستن دندان (قصاص) .....	۱۷۵
نمونه شکایت کیفری جعل مدرک تحصیلی .....	۱۷۶
نمونه شکایت کیفری اقدام به دریافت سند از محجور .....	۱۷۷
نمونه شکایت کیفری حفاری غیرمجاز جهت کشف اموال تاریخی - فرهنگی .....	۱۷۸
نمونه شکایت کیفری نبش قبر (اقلیت‌های دینی) .....	۱۷۹
نمونه شکایت کیفری نشر اکاذیب (فوتبال) .....	۱۸۰
نمونه شکایت کیفری انتشار "هجو به" (انتخابات) .....	۱۸۱
نمونه شکایت کیفری استفاده از اطفال صغیر یا غیررشید جهت تکدی‌گری .....	۱۸۲
<b>فصل اول - بخش سوم / درخواست‌ها و لوایح کیفری .....</b>	<b>۱۸۳</b>
نمونه درخواست آزادی مشروط از طرف زندانی .....	۱۸۴
نمونه آزادی مشروط زندانیان .....	۱۸۴
نمونه درخواست منع تعقیب به لحاظ گذشت شاکی خصوصی .....	۱۸۵
نمونه درخواست منع تعقیب به لحاظ شمول مرور زمان .....	۱۸۵
نمونه درخواست منع تعقیب به لحاظ نسخ مجازات قانونی .....	۱۸۶
نمونه درخواست اعمال ماده ۶۹۶ قانون مجازات اسلامی .....	۱۸۶
نمونه درخواست صدور قرار اناطه (اموال غیر منقول) .....	۱۸۷
نمونه لایحه - ایراد به صلاحیت دادگاه .....	۱۸۷
نمونه لایحه - درخواست تأمین خواسته .....	۱۸۸
نمونه درخواست تأمین عین خواسته .....	۱۸۸
نمونه تقاضای صدور برگ جلب مشتکی عنه درخواست ورود به مخفیگاه متهم .....	۱۸۹
نمونه درخواست صدور قرار عدم خروج متهم از کشور .....	۱۸۹

- نمونه درخواست قبول کفالت کفیل از دادگاه ..... ۱۹۰
- نمونه درخواست توثیق وثیقه توسط وثیقه‌گذار ..... ۱۹۰
- نمونه درخواست رفع توقیف از پلاک ثبتی ..... ۱۹۱
- نمونه لایحه اعلام اقامتگاه جدید شاکی ..... ۱۹۱
- نمونه درخواست صدور قرار ترک تعقیب ..... ۱۹۱
- نمونه درخواست و خواهی از آرای کیفری دادگاه عمومی ..... ۱۹۲
- نمونه درخواست تجدیدنظر از آرای کیفری دادگاه عمومی ..... ۱۹۲
- نمونه درخواست تجدیدنظر از آرای دادگاه کیفری استان توسط وکیل ..... ۱۹۳
- نمونه درخواست تجدیدنظر از آرای دادگاه کیفری استان ..... ۱۹۳
- نمونه درخواست تجدیدنظر از آرای قطعی‌یافته کیفری دادگاه عمومی «تبصره ۲ ماده ۱۸ قانون اصلاح  
موادی از قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب» تقاضای اعاده دادرسی نسبت به آرای  
کیفری ..... ۱۹۴
- نمونه درخواست اعمال ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷ ..... ۱۹۵
- نمونه درخواست تخفیف مجازات در جرائم غیر قابل گذشت به لحاظ اعلام رضایت شاکی / شاکیان از  
دادگاه تجدیدنظر (بعد از قطعیت رأی) ..... ۱۹۵
- نمونه درخواست تخفیف مجازات با اسقاط حق تجدیدنظرخواهی از دادگاه صادرکننده رأی بدوی ..... ۱۹۶
- نمونه درخواست جلب از اجرای احکام کیفری ..... ۱۹۷
- فصل دوم / دو پرونده کیفری مرتبط (کلاهبرداری) ..... ۱۹۸**
- نمونه ضرب و جرح / ورود به عنف / آدم‌ربائی / (محکومیت / بوائت) ..... ۲۰۳
- نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / صدور قرار عدم صلاحیت به شایستگی دیوانعالی کشور در خصوص  
اتهام آدم‌ربائی ..... ۲۰۶
- نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / تأیید دادنامه بدوی در خصوص ضرب و جرح عمدی و ورود  
به عنف ..... ۲۰۷
- نمونه لایحه وکیل در خصوص جرم کلاهبرداری «به دادگاه تجدیدنظر استان .....» ..... ۲۰۸
- فصل سوم / «رأی وحدت رویه شماره ۶۲۸ مورخ ۱۳۷۷/۶/۳۱ هیأت عمومی دیوانعالی  
کشور» ..... ۲۱۱**
- نمونه رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوانعالی کشور ..... ۲۱۲
- نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / حذف جزای نقدی ..... ۲۱۴
- نمونه تعیین یکسال حبس / تأیید دادنامه بدوی ..... ۲۱۴
- نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / اصلاح و تأیید دادنامه بدوی «تبدیل جزای نقدی به مجازات  
حبس» ..... ۲۱۶

- فصل چهارم / کلاهبرداری در مرور زمان ..... ۲۱۷
- نمونه متن ماده ۱۷۳ - قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ ..... ۲۱۸
- نمونه فروش مال غیر در سال ۱۳۷۰ / صدور قرار موقوفی تعقیب به لحاظ «شمول مرور زمان» در سال  
۱۳۸۲ ..... ۲۱۹
- نمونه تذکاریه / شمول مرور زمان در فقه ..... ۲۲۲
- فصل پنجم / ادامه دعای کلاهبرداری ..... ۲۲۳
- نمونه رأی دادگاه / فروش مال غیر / کلاهبرداری ..... ۲۲۴
- نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / تخفیف در مجازات و اصلاح و تأیید دادنامه / تذکر به دادگاه  
بدوی ..... ۲۲۶
- نمونه رأی دادگاه / کلاهبرداری / ایجاد مزاحمت و ممانعت از حق ..... ۲۲۸
- نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / صدور حکم برائت از اتهام مزاحمت و ممانعت از حق / تأیید دادنامه  
بدوی ..... ۲۳۰
- نمونه رأی دادگاه / جعل و معاونت در جعل (کلاهبرداری) ..... ۲۳۲
- نمونه رأی تکمیلی / کلاهبرداری و جعل ..... ۲۳۳
- نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / اعاده پرونده به لحاظ ناهمخوانی و ابهام در ثبت تاریخ  
اعتراض ..... ۲۳۴
- نمونه رأی دادگاه بدوی / واخواهی / اعمال نظر دادگاه تجدیدنظر استان ..... ۲۳۵
- نمونه رأی دادگاه جزایی شهرستان / مشارکت در شروع به کلاهبرداری ..... ۲۳۶
- نمونه رأی دادگاه / قرار رد درخواست تجدیدنظرخواهی متهم ..... ۲۳۹
- نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / تأیید دادنامه معترض علیه ..... ۲۴۰
- نمونه رأی دادگاه / فروش مال غیر ..... ۲۴۱
- نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / صدور قرار اناطه ..... ۲۴۲
- نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان پس از تعیین تکلیف مالکیت در دادگاه حقوقی / تأیید دادنامه  
بدوی ..... ۲۴۳
- نمونه رأی دادگاه / کلاهبرداری (فروش مال غیر) ..... ۲۴۴
- نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان ..... / اصلاح و تأیید دادنامه بدوی ..... ۲۴۶
- نمونه کلاهبرداری از طریق تأسیس و ایجاد شرکت، جعل علامت مؤسسه استاندارد ..... ۲۴۷
- نمونه کلاهبرداری - خیانت در امانت - مشارکت در کلاهبرداری ..... ۲۵۱
- نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان ..... / بدون شرح ..... ۲۵۹
- نمونه فروش مال غیر (زمین) / محکومیت ..... ۲۶۳
- نمونه رأی اصلاحی و رفع ابهام و تأمین نظر دادگاه تجدیدنظر استان / فروش مال غیر ..... ۲۶۶

- ۲۶۷ ..... نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / تأیید دادنامه بدوی
- ۲۶۸ ..... نمونه فروش مال غیر (زمین) / محکومیت
- ۲۶۹ ..... نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / تأیید دادنامه معترض علیه
- ۲۷۰ ..... نمونه کلاهبرداری از طریق فروش مال غیر
- ۲۷۱ ..... نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / تأیید دادنامه معترض علیه
- ۲۷۲ ..... نمونه فروش مال غیر (زمین) / برائت
- ۲۷۳ ..... نمونه فروش مال غیر (زمین) / محکومیت
- ۲۷۴ ..... نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / تأیید دادنامه بدوی
- ۲۷۵ ..... نمونه فروش مال غیر / ملک / محکومیت
- ۲۷۶ ..... نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / رأی به تأیید دادنامه معترض علیه
- ۲۷۷ ..... نمونه اختلاس و فروش مال غیر / محکومیت
- ۲۷۸ ..... نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / تأیید دادنامه بدوی
- ۲۷۹ ..... نمونه فروش مال غیر / محکومیت / برائت
- ۲۸۰ ..... نمونه فروش مال غیر (زمین) / تبدیل مجازات حبس به جزای نقدی
- ۲۸۲ ..... نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / اصلاح و تأیید دادنامه بدوی
- ۲۸۳ ..... نمونه فروش مال غیر (زمین) برائت به دلیل مستحق‌الغیر در آمدن زمین
- ۲۸۴ ..... نمونه کلاهبرداری / محکومیت / برائت
- ۲۸۵ ..... نمونه کلاهبرداری / محکومیت
- ۲۹۰ ..... نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / تذکر به دادگاه بدوی
- ۲۹۰ ..... نمونه اصلاح و تأیید دادنامه معترض علیه
- ۲۹۱ ..... نمونه فروش مال غیر (زمین) / محکومیت (۱۳۷۶)
- ۲۹۴ ..... نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / تأیید دادنامه بدوی
- ۲۹۶ ..... نمونه فروش مال غیر (زمین) / برائت (۱۳۷۸)
- ۲۹۹ ..... نمونه خرید و فروش مال غیر (زمین) / قرار منع تعقیب
- ۳۰۰ ..... نمونه نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / تأیید دادنامه بدوی
- ۳۰۰ ..... نمونه (قرار منع تعقیب) / ارشاد «خواه»
- ۳۰۱ ..... نمونه شرکت در کلاهبرداری / فریب از طریق امور واهی (پرداخت وام و.....)
- ۳۰۵ ..... نمونه کلاهبرداری از طریق فریب به امور واهی / جعل عنوان و.....
- ۳۰۶ ..... نمونه فروش مال غیر (خودرو)
- ۳۰۷ ..... نمونه فروش مال غیر (زمین)
- ۳۰۸ ..... نمونه فروش مال غیر (مغازه)
- ۳۰۹ ..... نمونه فروش مال غیر (دریافت وجه)
- ۳۱۰ ..... نمونه کلاهبرداری و فروش مال غیر



- ۳۱۱ ..... نمونه انتقال مال غیر (زمین) .....
- ۳۱۲ ..... نمونه رأی دادگاه / کلاهبرداری (فروش مال غیر) .....
- ۳۱۵ ..... نمونه تحصیل منافع غیر (اجاره) .....
- نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / تأیید دادنامه بدوی تصریح به تکلیف دادگاه بدوی به رفع ابهام .....
- ۳۱۶ .....
- ۳۱۷ ..... نمونه کلاهبرداری از طریق اجاره مال غیر .....
- ۳۱۸ ..... نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان در سال ۱۳۷۵ کلاهبرداری / تأیید رأی برائت دادگاه بدوی .....
- ۳۱۹ ..... نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر / نقض دادنامه بدوی / اعاده پرونده .....
- ۳۲۱ ..... نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / فسخ رأی واخواسته / صدور حکم برائت .....
- ۳۲۲ ..... نمونه رأی دادگاه عمومی بخش / صدور قرار منع تعقیب (تصرف عدوانی) .....
- ۳۲۳ ..... نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / تأیید قرار معترض علیه .....
- ۳۲۴ ..... نمونه رأی دادگاه / تحصیل مال از طریق نامشروع .....
- ۳۲۵ ..... نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / نقض دادنامه بدوی - صدور حکم بر براءت .....
- ۳۲۸ ..... نمونه رأی دادگاه عمومی بخش / صدور حکم محکومیت متهم به کلاهبرداری .....
- ۳۲۹ ..... نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / تأیید دادنامه معترض علیه .....
- ۳۳۰ ..... نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / (هم عرض) / رد اعاده دادرسی .....
- ۳۳۱ ..... نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / تأیید حکم با اعمال تخفیف .....
- ۳۳۲ ..... فصل ششم / مروری بر گذشته / دعاوی کلاهبرداری در سال ۱۳۷۰ .....
- نمونه رأی دادگاه کیفری ۲ / کلاهبرداری / صدور حکم محکومیت به پرداخت ۲ فقره جزای نقدی بدل از حبس و شلاق .....
- ۳۳۳ .....
- نمونه رأی دادگاه کیفری یک / به عنوان مرجع تجدیدنظرخواهی نقض دادنامه بدوی و تقلیل جزای نقدی بدل حبس و شلاق .....
- ۳۳۴ .....
- فصل هفتم / «آئین دادرسی کیفری» ترتیب عملی رسیدگی به دعوی کلاهبرداری از طریق فروش مال غیر (زمین) «دادگاه عمومی بخش» .....
- ۳۳۵ .....
- ۳۳۶ ..... نمونه شکوائیه / کلاهبرداری از طریق فروش مال غیر (زمین) .....
- ۳۳۷ ..... نمونه «اظهارات گواه اول» برگ بازجویی و صورتمجلس .....
- ۳۳۸ ..... نمونه «اظهارات گواه دوم» برگ بازجویی و صورتمجلس .....
- ۳۴۱ ..... نمونه «اظهارات متهم به کلاهبرداری جلسه اول» برگ بازجویی و صورتمجلس .....
- ۳۴۲ ..... نمونه «اظهارات متهم به کلاهبرداری جلسه دوم» برگ بازجویی و صورتمجلس .....
- ۳۴۳ ..... نمونه آخرین دفاعیات متهم برگ بازجویی و صورتمجلس .....
- ۳۴۴ ..... نمونه برگ بازجویی و صورتمجلس .....

- ۳۴۵ ..... نمونه برگ بازجوئی و صورتمجلس
- ۳۴۶ ..... نمونه رأی دادگاه عمومی بخش / محکومیت متهم به کلاهبرداری
- ۳۴۹ ..... نمونه لایحه دفاعیه وکیل متهم در اعتراض به دادنامه صادره از دادگاه عمومی بخش  
نمونه تصمیم دادگاه تجدیدنظر در اعاده پرونده به لحاظ وجود نقص در آن برگ بازجوئی و صورتمجلس
- ۳۵۲ ..... صورتمجلس
- ۳۵۳ ..... نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / برائت متهم به کلاهبرداری
- فصل هشتم / تظاهر و دخالت در امر وکالت** ..... ۳۵۴
- ۳۵۵ ..... نمونه تظاهر در امر وکالت / دخالت در امر وکالت
- ۳۵۶ ..... نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / تأیید دادنامه بدوی
- ۳۵۷ ..... نمونه رأی دادگاه / جعل عنوان / کلاهبرداری از طریق وکالت
- ۳۶۰ ..... نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / تأیید دادنامه بدوی با اعمال تخفیف در مجازات
- فصل نهم / کلاهبرداری - فروش مال غیر «پرونده شماره یک» (شعب تشخیص)** ..... ۳۶۱
- ۳۶۲ ..... نمونه فروش مال غیر / منع تعقیب (رأی اول)
- ۳۶۳ ..... نمونه فروش مال غیر / محکومیت (رأی دوم)
- ۳۶۴ ..... نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / تأیید دادنامه معترض علیه (رأی سوم)  
نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / تخفیف در مجازات بلحاظ وصول و اعلام رضایت شاکی پس از قطعیت حکم (رأی چهارم)
- ۳۶۵ ..... قطعیت حکم (رأی چهارم)
- نمونه رأی شعب تشخیص دیوانعالی کشور / صدور قرار عدم استماع دعوی بلحاظ اعمال تخفیف و تقلیل در مجازات در شعبه تجدیدنظر استان (رأی پنجم)
- ۳۶۶ ..... در مجازات در شعبه تجدیدنظر استان (رأی پنجم)
- فصل دهم / کلاهبرداری - فروش مال غیر «پرونده شماره دو» «دیوانعالی کشور / تجویز اعاده دادرسی»** ..... ۳۶۷
- نمونه رأی دادگاه بدوی / کلاهبرداری و فروش مال غیر (رأی اول) «قطعیت دادنامه بدوی بعلت انقضای مدت»
- ۳۶۸ ..... مدت
- ۳۶۹ ..... نمونه رأی دیوانعالی کشور / تجویز اعاده دادرسی (رأی دوم)
- فصل یازدهم / بحث و بررسی مختصر پیرامون بزه کلاه برداری در حقوق و محاکم قضائی ایران** ..... ۳۷۲
- ۳۷۹ ..... نمونه صدور قرار مجرمیت از طرف دادسرا / اتهام کلاهبرداری
- ۳۸۱ ..... نمونه رأی دادگاه کیفری شهرستان / محکومیت
- ۳۸۴ ..... نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / تأیید دادنامه تجدیدنظر خواسته

- نمونه نمونه کیفرخواست دادسرا ..... ۳۸۵
- نمونه رأی دادگاه / صدور حکم بر برائت بلحاظ عدم احراز سوء نیت ..... ۳۸۶
- نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / نقض دادنامه بدوی صدور حکم بر محکومیت ..... ۳۸۷
- نمونه واخواهی / صدور حکم بر نقض دادنامه و برائت واخواه از اتهام خرید مال غیر ..... ۳۹۱
- نمونه نمونه رأی دادگاه بدوی / صدور حکم بر محکومیت متهم به کلاهبرداری ..... ۳۹۳
- نمونه نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان با اصلاح تأیید دادنامه تجدیدنظر خواسته ..... ۳۹۴
- نمونه نمونه رأی دادگاه عمومی جزائی / محکومیت متهم به کلاهبرداری ..... ۳۹۶
- نمونه نمونه دیگر رأی راجع به متهم جواد / برائت ..... ۳۹۷
- فصل دوازدهم / کلاهبرداری تجویز اعاده دادرسی پرونده شماره سه ..... ۳۹۸**
- نمونه رأی دادگاه عمومی بخش / صدور حکم بر محکومیت متهم به کلاهبرداری ..... ۳۹۹
- نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / تأیید دادنامه تجدیدنظرخواسته ..... ۴۰۰
- نمونه لایحه وکیل محکوم علیه جهت پذیرش اعاده دادرسی ..... ۴۰۱
- نمونه اجرای تبصره یک ماده (۱۴) اصلاحی قانون ت.د.ع.ا. مصوب ۱۳۸۱ ..... ۴۰۴
- فصل سیزدهم / عناوین آراء وحدت رویه هیئت عمومی دیوانعالی کشور ارتشاء، اختلاس، کلاهبرداری ..... ۴۰۵**
- فصل چهاردهم / نظریات مشورتی «کلاهبرداری و انتقال مال غیر» ..... ۴۰۷**
- فصل پانزدهم / الف / کلاهبرداری - فروش مال غیر «پرونده شماره چهار» «دیوانعالی کشور / تجویز اعاده دادرسی» ..... ۴۱۱**
- نمونه رأی دادگاه بدوی / کلاهبرداری - فروش مال غیر / (رأی اول) ..... ۴۱۲
- نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / تأیید دادنامه بدوی (رأی دوّم) ..... ۴۱۳
- نمونه رأی دیوانعالی / تجویز اعاده دادرسی (رأی سوم) ..... ۴۱۴
- نمونه رأی دادگاه بدوی / محکومیت متهمان به کلاهبرداری ..... ۴۱۶
- نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / نقض دادنامه - صدور حکم برائت متهمان ..... ۴۱۷
- نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر معروض / رد اعاده دادرسی نسبت به متهم تجدیدنظر خوانده ردیف اول / قبول اعاده دادرسی نسبت به تجدیدنظر خوانده ردیف دوم و سپس نقض دادنامه تجدیدنظر و صدور حکم محکومیت ..... ۴۱۸
- نمونه رأی دادگاه / محکومیت متهم به کلاهبرداری (رأی تکمیلی) ..... ۴۲۰
- نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / اصلاح و تأیید دادنامه های بدوی ..... ۴۲۹
- نمونه رأی دادگاه / قبول واخواهی - صدور حکم برائت ..... ۴۳۴

- نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / تأیید دادنامه معترض علیه ..... ۴۳۵
- فصل پانزدهم / ب / بررسی نمونه‌ای از احکام محاکم عمومی از لحاظ قواعد نگارش احکام ۴۳۶
- فصل شانزدهم / اجرای احکام کیفری ..... ۴۴۰
- فصل هفدهم / اجرای احکام کیفری (حوزه قضائی بخش) ..... ۴۵۲
- فصل هیجدهم / الف / دستور ضبط وثیقه / وجه الکفاله / وجه التزام در حوزه قضائی بخش ۴۶۱
- نمونه دستور ضبط وثیقه / دادگاه عمومی بخش ..... ۴۶۲
- نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / قرار ضبط وثیقه (کیفری) / تأیید دستور معترض علیه ..... ۴۶۴
- نمونه اجرای احکام کیفری - نمونه آگهی مزایده وثیقه ..... ۴۶۵
- نمونه دستور ضبط وجه الکفاله / حوزه ریاست دادگاه عمومی بخش ..... ۴۶۷
- نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / صدور قرار رد درخواست کفیل / وثیقه گذار / تأیید دستور معترض علیه ..... ۴۶۸
- نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / نقض و اعاده دستور ضبط وثیقه صادره از سوی رئیس حوزه قضائی بخش ..... ۴۷۰
- فصل هیجدهم / ب / اصل برائت اصل تخییر اصل احتیاط و اشتغال ..... ۴۷۵
- فصل نوزدهم / گفتار در قاعده درأ ..... ۴۹۵
- منابع و مآخذ ..... ۵۴۲

## پیشگفتار

### قضا و شهادت در نظام قضایی اسلام

بانهضام: نکات کلیدی در ادله استنباط احکام شرع (فقه)

#### نکته:

به نظر نگارنده قضاوت صحیح عبارت است از یافتن حکمی از احکام فقهی و قوانین جاری که موضوع دعوی یکی از افراد آن حکم باشد نه توسعه و تحدید و ابداع معانی از احکام، تا به کمک آن به هر طریق ممکن بتوان نسبت به مردود نمودن دعوائی یا محکوم نمودن فردی حکم صادر نمود.

### گفتار در قضا و شهادت (نظام قضایی اسلام)

دست پر قدرت آفرینش بنابر حکمت غریزه حب ذات را در نهاد انسان به ودیعه نهاده که وی به موجب آن خودخواه و حریص بر گردآوری اموال و دستیابی به منافع هر چه بیشتر شده است. او در این راستا، گاهی حقوق دیگران را نیز مورد تاخت و تاز قرار می‌دهد. از سوی دیگر منابع طبیعی و کالاهایی که انسان برای رفع نیازمندی‌های خود به آنها روی می‌آورد، با محدودیت مواجه بوده و هر فردی تلاش می‌کند، سهم بیشتری از آنها را به خود اختصاص دهد. به ویژه اگر توجه کنیم که ساختار روحی افراد، متفاوت بوده و هر یک، استعداد کار و فعالیت خاصی را دارد.

در نتیجه نیازمندی‌ها و روحیه افزون‌طلبی بشر، درگیری و تزاخم، در صحنه اجتماع رخ داده و فساد و خونریزی، به وقوع می‌پیوندد. اعتراض مؤدبانه فرشتگان بر آفرینش آدم عليه السلام و اینکه چرا موجودی مفسد و خون‌ریز آفریده می‌شود و نیز حادثه قتل هابیل توسط برادرش، شاهد این مدعا است.

از این رو عامل بازدارنده‌ای لازم است تا دست تجاوزگران به حقوق مردم را کوتاه نموده و امنیت و آرامش را بر جامعه حاکم گرداند.

**نظام قضایی اسلام، پاسخی به این نیاز فطری جامعه بوده و قوانین کیفری آن هماهنگ با واقعیت‌ها و ضرورت‌های اجتماعی است.**

گفتنی است اجرای قوانین کیفری در کنار پرورش ایمان به مبدأ و معاد، کارساز و مفید است و گرنه نظام کیفری منهای دین و ایمان، تنها بخش اندکی از درگیری‌ها و خصومت‌های جامعه را در ظاهر کاسته و آنها را از ریشه حل نخواهد کرد.

اسلام با پرورش ایمان به خداوند و بیان وعده‌های الهی، انگیزه گناه و تجاوز را در نهاد انسان‌ها تضعیف کرده و با ایجاد ترس از کیفر اخروی، زمینه را برای برقراری اجتماعی سالم و متعادل فراهم می‌سازد. البته این‌ها در کنار تدابیر دیگری است که اسلام برای محو جرم و جنایت از جامعه، اندیشیده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱- تشویق به کار و نکوهش بی‌کاری که عامل مهم بزهکاری است.

۲- ترغیب بر توزیع عادلانه ثروت میان جامعه.

۳- تشریح قوانین مربوط به تعدد زوجات به گونه دائم یا موقت که زمینه تعدی به ناموس دیگران را از بین می‌برد.

۴- مسؤولیت حکومت اسلامی در رفع فقر و بی‌کاری از جامعه و حمایت از مستمندان و مسؤولیتی که در برقراری عدالت اجتماعی دارد.

۵- تحریم هر مایع مست‌کننده که عامل مؤثری در وقوع جنایت به هنگام مستی است.

۶- تحریم قمار و باطل شمردن انواع معاملات مشتمل بر ضرر که زمینه اختلاف و خصومت را فراهم می‌سازد.

و ...

امور یاد شده، همراه قوانین جزائی اسلام، نقش تعیین‌کننده‌ای در محو ریشه‌های جرم و جنایت داشته و موجب می‌شود که بزهکاری و تجاوز به حقوق دیگران، تنها از افراد انگشت‌شمار و پست سرزند و در این پست سرزند و در این صورت، اسلام باید برای آنان، شدیدترین کیفرها را در نظر گیرد.

### قضاوت و اهمیت آن

قضاوت، داوری و فصل خصومت میان مردم، در زمینه نفوس و اموال است. مقام قضاوت، از سوی خداوند برای پیامبر ﷺ و جانشینان معصوم وی تعیین شده و در عصر غیبت، به فقهای واجد شرایط واگذار گردیده است.

به دلیل مهم و خطیر بودن مقام قضاوت، سزاوار است، آنان که در خود شایستگی تصدی این مقام را نمی‌بینند، از آن دوری جویند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

قضات چهار دسته‌اند که از میانشان یکی در بهشت و سه تای دیگر در آتشند. مردی که از روی آگاهی به جور و ستم قضاوت نموده که وی در آتش است. مردی که از سر نادانی قضاوت ظالمانه کرده که او نیز در آتش است. مردی که از روی ناآگاهی قضاوت به حق نموده که او هم در آتش است و مردی که از روی علم و آگاهی، به حق قضاوت کرده، او در بهشت است. <sup>(۱)</sup>

خداوند متعال به داوود علیه السلام می‌فرماید:

«يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ» <sup>(۲)</sup>.

۱- ر.ک تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۳۶۵، کتاب القضاء.

۲- ص، آیه ۲۶.

ای داوود، ما تو را جانشین در زمین قرار دادیم پس میان مردم، به حق حکم کن. در این آیه، قضاوت به عنوان فرع خلافت الهی مطرح شده یعنی خلافت و نمایندگی خدا سبب شده که به انسان حق قضاوت داده شود. به بیان دیگر، قاضی جز با اجازه خداوند حق قضاوت ندارد و بر این اساس، مراجعه به قضاتی که در حکومت‌های غیرالهی کار می‌کنند، حرام و ممنوع است مگر اینکه برای استیفای حق، راهی جز مراجعه به آنان نباشد.

### استقلال سیستم قضایی اسلام

یکی از ویژگی‌های نظام قضایی اسلام این است که سرنوشت آن را، جریان‌های سیاسی حاکم تعیین نمی‌کنند بلکه برعکس، سرنوشت جریان‌های سیاسی را سیستم قضایی مشخص می‌کند. قاضی می‌تواند حتی شخص اول کشور را در صورتی که کسی از او شاکی باشد، برای محاکمه احضار کند و هر کس در هر مقام و منصبی که هست، بایستی در موقع لزوم، بدون هیچ تشریفات در محکمه قاضی حضور یابد و با شاکی خود در شرایط مساوی و در یک ردیف مطالب خود را بیان نماید.

به بیان دیگر، نظام قضایی اسلام تنها برای اجرای حق و عدل است و هر مصلحت دیگری باید فدای عدالت شود.

در حدیث آمده، روزی زنی سرشناس را نزد رسول خدا ﷺ آوردند که دزدی کرده بود، پیامبر اکرم ﷺ دستور داد، دست او را قطع کنند. عده‌ای از قریش برای جلوگیری از اجرای حد سرقه، نزد پیامبر ﷺ آمده و گفتند:

ای رسول خدا، شما مصالح سیاسی را ملاحظه نمی‌کنید و دستور می‌دهید که برای مالی اندک، دست زن با شخصیتی قطع گردد.

آن حضرت فرمود:

همانا گذشتگان قبل از شما برای آن نابود شدند که حدود الهی را بر ضعیفان جاری می‌کردند ولی افراد متنفذ و سرشناس را رها می‌ساختند پس به هلاکت مبتلا گشتند.<sup>(۱)</sup>

امام خمینی (رحمة الله) در زمینه استقلال قضایی اسلام چنین می‌فرماید:

اسلام یک وقتی حکومتی داشته است که حاکمش را قاضیش می‌خواهد که «بیا یهودی علیه تو ادعا کرده بیا» می‌رود آنجا، با کمال ادب کنار یهودی می‌نشیند وقتی هم که قاضی می‌گوید یا ابالحسن، می‌گویند نه، به من نگو ابالحسن، برای اینکه باید با من مساوی صحبت



کنی. شما همچو دموکراسی در دنیا اطلاع دارید که رئیس دولت را قاضی منصوب از قِبل خودش، رئیس دولت را احضار کند و او حاضر شود؟!<sup>(۱)</sup>

### صفات قاضی

در فقه اسلامی، ویژگی‌هایی برای قاضی بیان شده که عبارتند از: بلوغ، عقل، ایمان، عدالت، مرد بودن، حلال‌زاده بودن، اجتهاد<sup>(۲)</sup> در دین و اعلم بودن نسبت به کسانی که در حوزه قضاوت وی هستند.

تصدی مقام قضاوت، بر آنان‌که ویژگی‌های یاد شده را داشته باشند، واجب کفایی است مگر اینکه این ویژگی‌ها منحصر در فرد خاصی باشد که در این صورت قضاوت بر او واجب عینی خواهد بود.

### آداب قضاوت

قاضی در برخورد با شاکی و مشتکی عنه، خواهان و خوانده باید آدابی را به کار گیرد که عبارتند از:

۱- رعایت تساوی بین دو طرف درگیر در اموری همچون سلام و جواب آن، نشان دادن آنان در جایگاه، در نگاه کردن به آن دو، در سخن گفتن با هر کدام، رعایت انصاف و بشاشیت چهره با هر دو، عدالت در داوری و سایر آداب احترام و بزرگداشت، مگر یک طرف مسلمان نباشد که در این صورت، احترام بیشتر به مسلمان جایز است ولی در هر صورت باید داوری عادلانه باشد.

۲- در مواردی که قاضی علم به حقانیت هیچ کدام ندارد، نباید مطلبی را به یکی از طرفین درگیر، تلقین کند به گونه‌ای که وی بر حریفش چیره گردد.

۳- اگر دو طرف درگیر، یکی پس از دیگری بر قاضی وارد شوند، قاضی باید در شنیدن سخن آنان، از نفر اولی که وارد شده آغاز کند؛ بدون اینکه موقعیت اجتماعی یا مرد و زن بودن آنان را در نظر گیرد.

۱- ر.ک. صحیفه نور، ج ۵ ص ۲۵۹.

۲- گفتنی است امام خمینی (رحمة الله) بعد از انقلاب اسلامی، به خاطر نیاز وسیع به قاضی از سوی و کمبود مجتهد جامع الشرایط از سوی دیگر، تصدی مقام قضا را برای غیرمجتهد نیز روا دانستند.

ر.ک. صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۲۵۶.

۴- در صورتی که خواننده (مدعی علیه) سخن خواهان (مدعی) را قطع کند و بخواهد ادعایی را مطرح کند، قاضی نباید به حرفش گوش دهد تا وی ابتدا پاسخ مدعی را بدهد و داوری پایان گیرد سپس او می‌تواند علیه حریفش ادعا کند، مگر اینکه مدعی بر تقدیم ادعای وی راضی بشود.<sup>(۱)</sup>

۵- قضاوت کردن در برخی از احوال کراهت دارد؛ مانند حال خشم، گرسنگی، غم و اندوه، شادی و هنگامی که خواب آلوده است.<sup>(۲)</sup>

۶- گرفتن رشوه توسط قاضی حرام است گرچه به عنوان بخشش یا هدیه باشد، بلکه در صورت بی‌نیازی، بهتر است از بیت‌المال نیز استفاده نکند.<sup>(۳)</sup>

گفتنی است در اسلام، برای حفظ جان، مال و ناموس مردم اهتمام بیشتری شده و دستورهای احتیاطی در این زمینه‌ها به گونه‌ای است که حق کسی ضایع نشود.

#### ملاک‌های قضاوت

قاضی می‌تواند با استناد به علم خود، شهادت دو نفر عدل (بیینه) و اقرار یا سوگند یکی از دو طرف دعوا، داوری کند. گفتنی است شیوه‌های جدید جرم‌شناسی می‌تواند در حصول علم قاضی به واقعه و تشخیص حقانیت یکی از آن دو، کمک کند و در صورت حصول علم، قاضی نمی‌تواند برطبق بیینه‌ای که مخالف علم وی گواهی می‌دهند، قضاوت نماید؛ چنانکه نمی‌تواند به سوگند کسی که او را دروغگو می‌شناسد ترتیب اثر دهد. در مواردی که قاضی برطبق ملاک‌های یاد شده داوری نماید، نقض حکم وی حتی از سوی حاکم اسلامی جایز نیست مگر وی شرایط قضاوت را نداشته یا حکمش برخلاف کتاب و سنت باشد.<sup>(۴)</sup>

اگر قاضی بدون اینکه در مقدمات داوری کوتاهی کرده باشد، برخلاف واقع حکمی صادر کند، ضامن نبوده و خطایش از بیت‌المال جبران می‌شود.<sup>(۵)</sup>

۱- ر.ک. تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۳۶۹ - ۳۷۰.

۲- ر.ک. شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، محقق حلی، ج ۴ - ۳، جزء دوم، ص ۷۴.

۳- ر.ک. تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۳۶۶.

۴- ر.ک. همان، ص ۳۶۸.

۵- ر.ک. شرایع الاسلام، ج ۴ - ۳، جزء چهارم، ص ۷۴.

### دادگاه تجدیدنظر

چنانکه ذکر آن رفت حکم و داوری قاضی، قطعی و غیرقابل نقض است و طرفین دعوی حق ندارند، دعوی را نزد حاکم دیگر ببرند و حاکم دوم حق نظر در آن و یا نقض آن را ندارد. ولی اگر یکی از دو خصم، ادعا کند که حاکم اول جامع شرایط نبوده مثل اینکه ادعا کند که اجتهاد یا عدالت را در حال قضاوت نداشته، ادعایش مسموع است و برای حاکم دوم جایز است که در آن (حکم صادره از طرف حاکم اول) نظر کند؛ بنابراین اگر عدم صلاحیت حاکم اول برای قضات، ثابت شد حکم او را نقض می‌نماید همچنانکه، جایز است حکم او را نقض کند در صورتی که مخالف ضرورت فقه باشد.<sup>(۱)</sup>

### شهادت

در هر دادرسی حداقل دو نفر شرکت دارند که یکی را خواهان (مدعی) و دیگری را خوانده (مدعی علیه) می‌نامند. خواهان مال یا حقی را علیه خوانده ادعا می‌کند و در این صورت خوانده یا به آن حق اقرار دارد و یا آن را انکار می‌کند؛ در صورت اول ادعای خواهان ثابت و ملاک داوری قاضی حاصل شده است؛ اما در صورت انکار، بنابر قاعده معروف فقهی در باب قضا «البینه علی المدعی واليمين علی من أنکر»<sup>(۲)</sup> برعهده مدعی است که برای مدعایش بیینه (دو نفر شاهد عادل) بیاورد و در این صورت، انکار منکر یا خوانده بی‌فایده بوده و به ناچار باید حق یا مال موردنظر را پرداخت نماید و اگر مدعی شاهدهی نداشته باشد، شخص منکر موظف می‌شود تا بر مورد انکارش سوگند یاد کند و خود را رها سازد. پس اگر سوگند نخورده و آن را بر خواهان رد کند، وی می‌تواند با سوگند خود، حق یا مال موردنظرش را علیه منکر اثبات نماید.

۱- ر.ک. تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۳۶۶، مسأله ۸.

۲- بر مدعی است که شاهد اقامه کند و بر منکر سوگند است.

### صفات گواهان

گواهی شهود در امر داوری، در صورتی مفید واقع می‌شود که آنان از ویژگی‌های زیر برخوردار باشند:

۱- بلوغ ۲- عقل ۳- ایمان ۴- عدالت؛

و آن ملکه‌ای است که شخص را از نافرمانی خدا باز می‌دارد؛ بنابراین گواهی فاسق پذیرفته نیست و او کسی است که مرتکب گناهان کبیره شده یا بر انجام گناهان صغیره اصرار می‌ورزد. ۵- حلال زاده بودن؛ بنابراین، آنکه از زنا زاده شده، گرچه عادل باشد، گواهی‌اش پذیرفته نیست. ۶- دشمنی نداشتن شاهد با کسی که علیه او گواهی می‌دهد. ۷- گدای حرفه‌ای نباشد. ۸- شهادتش بنا به دعوت باشد؛ بنابراین شخصی که بدون درخواست از وی، در امور مربوط به حقوق مردم گواهی دهد، شهادتش پذیرفته نیست؛ البته گواهی چنین کسی در حقوق الهی مانند نوشیدن شراب پذیرفته است.<sup>(۱)</sup>

۹- در معرض تهمت نبودن شاهد از راه‌های زیر:

الف - آنجا که گواهی، برایش سودآور باشد.<sup>(۲)</sup>

ب - در موردی که شهادت، ضرری را از شاهد دور کند. مثل اینکه عاقله (خویشاوندان ذکور و پدری فردی که از سر خطا کسی را کشته است) بر عادل نبودن گواهان بر جنایت خطایی، شهادت دهند که در صورت پذیرش، موجب عدم ثبوت جنایت و در نتیجه معافیت عاقله از پرداخت دیه است.<sup>(۳)</sup>

### شهادت زن

در مواردی که گواهی زن<sup>(۴)</sup> پذیرفته می‌شود، شهادت دو زن معادل با شهادت یک مرد است؛ زیرا شاهد گرفتن و ادای شهادت، بدین منظور است که حقی ضایع و پایمال نشود؛ از این رو باید شاهد دارای دو ویژگی باشد:

الف - در مقام تحمل شهادت هوشیارانه برخورد کرده و حادثه را به درستی ضبط کند.

۱- ر.ک. تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۳۹۹ - ۴۰۲.

۲- برای آگاهی از مثال و نمونه، ر.ک. اللمعة الدمشقیة، ج ۴، ص ۱۲۸.

۳- کسی که از روی خطا جنایتی مرتکب شود، دیه‌اش برعهده عاقله است.

۴- مواردی هست که در اثباتش، مرد بودن گواهان شرط است مانند طلاق که جز با گواهی دو مرد عادل ثابت نمی‌شود.

ب - در مقام ادای شهادت، تحت تأثیر عواطف و احساسات واقع نشود و آنچه را که شاهدش بوده، بی‌کم و کاست بازگوید و گواهی دهد.

اگر جنس مرد با جنس زن، در داشتن دو ویژگی یاد شده مقایسه شوند، معلوم خواهد شد که مردان در هر دو مورد، قوی‌تر و شایسته‌تر از زنانند و زن ممکن حادثه‌ای را که بر آن شاهد بوده فراموش کند یا تحت تأثیر عواطف و احساسات واقع شده و از حق عدول نماید. بنابراین احتیاط حکم می‌کند که زن دیگری همراه وی باشد تا احتمال حق‌کشی کاهش یابد.

### معیار شهادت

شاهد در صورتی می‌تواند شهادت دهد که نسبت به واقعه، علم قطعی و یقین داشته باشد؛ چه این علم و یقین از راه حواس ظاهری حاصل شود یا مستند به تواتر و امثال آن باشد؛ اما علم به حوادث از راه‌های غیرعادی مانند جفر و رمل نمی‌تواند ملاک شهادت و گواهی قرار گیرد.

گواهی شهود در صورتی پذیرفته می‌شود که شهادت آنان بر نوع واقعه، زمان، مکان و خصوصیات آن، یکی باشد و در صورت دوگانگی چیزی ثابت نشده و گواهی‌شان اعتباری نخواهد داشت. به عنوان مثال، اگر شاهدی بر سرقت پارچه گواهی دهد و دیگری بر سرقت پول، یا یکی بگوید من فلانی را صبح دیدم دزدی می‌کرد و دیگری بگوید من دزدی وی را در شب دیدم این شهادت‌ها اعتباری ندارد.<sup>(۱)</sup>

گفتنی است کسی که هنگام وقوع حادثه حاضر بوده و آن را دیده، در صورت دعوت، واجب است برای شهادت در محکمه حضور یابد؛ البته چنین شخصی باید توجه داشته باشد که گواهی خلاف واقع از گناهان بزرگ به شمار می‌رود.<sup>(۲)</sup>

تأمل در مباحث قضا و شهادت که بخش اندکی از آن، در پیشگفتار این کتاب مورد بررسی قرار گرفت، ما را به این نتیجه می‌رساند که نظام قضایی اسلام، واقعی‌ترین و مترقی‌ترین قوانین را برای حفظ حقوق، اموال و نوامیس مردم عرضه داشته و تضمین‌کننده عدالت اجتماعی و محوکننده جرم و جنایت از جامعه است و این در کنار نظام اخلاقی آن است که با پرورش ایمان و فضائل اخلاقی و تربیت انسان‌های شایسته، جامعه‌ای سالم را بنیان‌گذاری می‌کند.

۱- ر.ک. تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۴۰۲-۴۰۸.

۲- ر.ک. بقره، آیه ۲۸۲؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۰۹.

**چکیده مطلب:**

نظام قضائی اسلام در کنار نهادهای تعلیم و تربیت، عامل بازدارنده از تجاوز افراد به حقوق دیگران بوده و عدالت را برقرار می‌سازد و این، علاوه بر تدابیری است که اسلام برای زدودن جرم و جنایت از جامعه اندیشیده است؛ مانند تشویق به کار، حمایت از مستمندان و کمک به توزیع عادلانه ثروت، تشویق به ازدواج، جلوگیری از درآمدهای نامشروع و... قضاوت، همان داوری و فصل خصومت است که در زمان غیبت به فقهای واجد شرایط واگذار شده و مراجعه مردم به غیر آنان رجوع به طاغوت است.

سیستم قضائی اسلام چنان مستقل است که حتی می‌تواند شخص اول کشور را در صورتی که شاکی داشته باشد، به محکمه احضار نماید.

**صفات قاضی عبارتند از: بلوغ، عقل، ایمان، عدالت، مرد بودن، حلال‌زادگی و اجتهاد.** برخی آداب داوری: رعایت تساوی بین دو طرف درگیر حتی در نگاه کردن به آنان، حفظ بی‌طرفی در شنیدن مطالب، داوری کردن در مکان‌های باز و قابل دسترس مردم، قضاوت نکردن در حالاتی همچون خشم، غم، شادی و...

**ملاک‌های داوری از این قرارند:** علم قاضی، شهادت دو فرد عادل، اقرار یا سوگند یکی از دو طرف دعوا، شیوه‌های جدید جرم‌شناسی می‌تواند در حصول علم قاضی مؤثر باشد. حکم و داوری قاضی در صورتی که با ملاک‌های یاد شده انجام گیرد. غیر قابل نقض است؛ مگر اینکه شخص محکوم نزد قاضی دیگری رفته و ادعا کند که بر وی ستم شده و در این صورت باید پرونده‌اش بررسی شود و قاضی اول پاسخگو باشد.

اگر خواننده ادعای خواهان را انکار کند، خواهان باید بینه بیاورد و گرنه با سوگند خواننده بر انکارش، دعوا پایان می‌یابد مگر اینکه وی سوگند را به خواهان رد کند.

**صفات گواهان عبارتند از:** بلوغ، عقل، عدالت، حلال‌زادگی، گدا نبودن، شهادت بنابه دعوت بوده و شاهد مورد تهمت نباشد مثل اینکه گواهی، برای شاهد سودآور بوده یا ضرری را از او دفع کند.

شهادت دو زن معادل شهادت یک مرد است؛ زیرا باید شاهد در مقام تحمل و ادای شهادت واقع‌بینانه عمل کرده و تحت تأثیر احساسات نباشد و مردان در این ویژگی‌ها قوی‌تر از زنانند و احتیاط حکم می‌کند که اگر شاهد، زن است زن دیگری نیز همراهش شهادت دهد تا احتمال از بین رفتن حق کاهش یابد.

شهود باید نسبت به واقعه علم مستند به حس یا قریب به حس داشته باشند و گواهیشان بر واقعه، از نظر نوع، زمان، مکان و خصوصیات دیگر یکسان باشد.

و من الله توفیق

جعفر اخترنیا

### نکات کلیدی در ادله استنباط احکام شرع

**نکته ۱:** اولین و مهم‌ترین دلیل احکام شرعی قرآن است که معجزه جاوید پیامبر اسلام است.

**نکته ۲:** قرآن از جهت صدور قطعی الصدور است به جهت تواتر لفظی و اجمال فقها و از جهت دلالت ظنی الدلاله می‌باشد.

**نکته ۳:** آیات قرآن شامل محکمت‌ها و متشابهات است.

**نکته ۴:** محکمت‌ها شامل نصوص و ظواهر است که نصوص قطعی است ولی ظاهر ظنی و احتمال خلاف در آن راه دارد.

**نکته ۵:** درجات آگاهی اشخاص نسبت به امور:

**اول:** قطع است که برای انسان علم یقین حاصل می‌کند و عبارت است از کشف کامل چیزی برای انسان.

**دوم:** ظن است که گمانی است که به درجه قطع و یقین نمی‌رسد اما احتمال قوی به دست می‌آید. به عبارت دیگر طرف راجح و قوی از دو طرف تردید ذهن را ظن گویند که در نفس انسان پدید می‌آید.

**سوم:** شک: بین دو طرف تردید ذهن اگر هیچ یک بر دیگری ارجح نباشد و احتمال هر دو برابر باشد.

**چهارم:** وهم: در تردید بین دو طرف ذهن معنای ضعیف و احتمال ضعیف را برگزیند.

**نکته ۶:** نص مقید قطع است، ظاهر مفید ظن است مجمل مفید شک و مؤول مفید وهم است.

**نکته ۷:** قطع یقیناً حجت است و شک و وهم یقیناً حجت نیست.

**نکته ۸:** در ظن، اصل عدم حجت است اما ظن خاص که آن را ظن معتبر می‌گویند و حجت است.

**نکته ۹:** ظن خاص ظنی است که از طرف شارع مورد تأیید قرار گرفته است.

**نکته ۱۰:** سنت منبع دوم از منابع استنباط احکام شرع است.

**نکته ۱۱:** سنت از سن به معنای شیوه، روش و عادت گرفته شده است.

**نکته ۱۲:** فقهای عامه سنت را قول و فعل و تقریر پیامبر می‌دانند.

**نکته ۱۳:** فقهای شیعه سنت را قول و فعل و تقریر پیامبر و ائمه معصوم می‌دانند.

**نکته ۱۴:** سنت از دو طریق حاصل می‌گردد:

- ۱- کسب کلام در حضور ائمه که ویژه اصحاب و شیعیان زمان وجود امام و پیامبر است.
- ۲- کسب سنت از اخبار موثقه روات.
- نکته ۱۵:** قول همان گفتار معصومین، فعل رفتار آنان و تقریر سکوت آنان و عدم رد از سوی آنان است.
- نکته ۱۶:** نقل سنت را خبر، حدیث یا روایت می‌نامند.
- نکته ۱۷:** سنت در چهار چیز بحث می‌کند: ۱- فعل ۲- تقریر ۳- خبر واحد ۴- خبر متواتر
- نکته ۱۸:** در فعل معصوم قدر متیقن آن است که اگر معصوم بدون هرگونه قرینه عملی را انجام دهد آن عمل مباح و مشروع است و ترک فعل آن عمل از سوی معصوم بدون وجود قرینه عدم و خوب عمل است.
- نکته ۱۹:** ظهور فعل معصوم هم چون قول او حجت است.
- نکته ۲۰:** انجام فعل از سوی معصوم بدون وجود قرینه اعطای رخصت بر پیروان است.
- نکته ۲۱:** تقریر معصوم، سکوت و عدم رد او نسبت به انجام عملی پس از دیدن یا شنیدن آن عمل است اگر سکوت حمل بر تایید آن باشد.
- نکته ۲۲:** سکوت معصوم در مقام تقریر دو شرط دارد: الف: معصوم با علم و التفات سکوت کند. ب: معصوم در وسعت سکوت کند یعنی در حالت تقیه نباشد.
- نکته ۲۳:** خبر متواتر نقل خبر از سوی جماعتی است که تبانی و تواطی آنان بر کذب محال باشد و برای شنونده اطمینان‌آور است.
- نکته ۲۴:** خبر متواتر لفظی است اگر روایان خبر، متفقاً الفاظ معین و مشخص را نقل کرده باشند.
- نکته ۲۵:** خبر متواتر معنوی است اگر روایان خبر، در الفاظ نقل شده مخالف باشند ولی همه خبرها در معنا دلالت بر یک چیز کند.
- نکته ۲۶:** خبر متواتر معنوی اتفاق روایان در مفهوم خبر بالفاظ گوناگون است.
- نکته ۲۷:** خبر متواتر اجمالی است اگر روایان خبری را با الفاظ گوناگون با دلالتی گسترده یا محدوده نقل کرده باشند.
- نکته ۲۸:** خبر واحد خبری است که به حد تواتر نمی‌رسد و خبر واحد مفید ظن است البته مفید ظن معتبر و خاص.
- نکته ۲۹:** خبر واحد صحیح آن است که سلسله روایان آن همه امامی بوده و همه روایان در همه طبقات عادل باشند.
- نکته ۳۰:** خبر واحد حسن خبری است که روایان آن امامی غیرعادل و گاهی غیرامامی عادل باشند.



**نکته ۳۱:** خبر واحد موثق خبری است که راویان آن غیرامامی بوده ولی امامیه راویان غیرامامی را موثق می‌شناسند.

**نکته ۳۲:** خبر واحد ضعیف خبری است که راویان آن غیرامامی و غیرموثق باشند.

**نکته ۳۳:** به نظر اصولیین خبر فرد عادل و واحد، تنها در احکام آن هم در صورت افاده ظن معتبر است.

**نکته ۳۴:** دلیل حجیت سنت قرآن است اما در خصوص حجیت سنت بحث و نزاع صغروی است.

**نکته ۳۵:** نقش اثباتی سنت در درجه اول بیان و توضیح قرآن و در بعضی موارد تشریح حکم است.

**نکته ۳۶:** خبر مستفیض خبری است که مفید قطع و یقین نمی‌باشد و سلسله روایات آن از سه نفر بیشتر است.

**نکته ۳۷:** خبر واحد موجب حصول علم نمی‌شود ولی شرعاً عمل به خبر واحد واجب است.

**نکته ۳۸:** برای حجیت خبر واحد به آیه کتمان، آیه النبأ و آیه نفر استدلال شده است.

**نکته ۳۹:** خبر ضعیف اصولاً حجت نیست مگر آنکه مشهور «مقبول» باشد.

**نکته ۴۰:** اعتبار حجیت اخبار آحاد به ترتیب عبارتند از: خبر صحیح، خبر حسن و قوی

**نکته ۴۱:** اجماع از نظر فقهای عامه اتفاق همه علما در یک مساله یا اتفاق فقهای مسلمین در یک حکم شرعی است.

**نکته ۴۲:** اجماع از نظر علمای شیعه اتفاق جمعی از فقها که کاشف از قول معصوم باشد.

اجماع می‌تواند مخصص یا مقید قرآن باشد. همچنین اجماع می‌تواند ناسخ قرآن باشد.

**نکته ۴۳:** اجماع از نظر امامیه دلیل عقلی است و در صورتی حجت است که کاشف از قول معصوم باشد.

**نکته ۴۴:** اجماع از نظر فقهای عامه موضوعیت دارد ولی در نظر فقهای شیعه اجمال طریقت دارد برای رسیدن به رأی معصوم.

**نکته ۴۵:** اجماع در یک تقسیم بر دو قسم است: الف: اجماع محصل ب: اجماع منقول.

**نکته ۴۶:** اجماع محصل است اگر فقیهی خودش در میان آراء فقها با تلاش یکی از انواع اجماع را در خصوص حکمی کسب کند که حاکی از قول معصوم باشد.

**نکته ۴۷:** اجماع منقول است اگر کسی اجماع تحصیل کرده را برای دیگران عنوان کند و دیگری به وسیله نقل از آن آگاهی یابد.

**نکته ۴۸:** اجماع محصل مفید قطع است و در نتیجه حجت می‌باشد.

**نکته ۴۹:** اجماع منقول بر دو قسم است:

**الف:** اجمال منقول متواتر؛ **ب:** اجماع منقول به خبر واحد

**نکته ۵۰:** اجماع منقول به خبر متواتر نقل کنندگان آن زیاد هستند آن قدر که بیم تبانی بین آنها نمی رود و این اجماع حجت است.

**نکته ۵۱:** اجماع منقول به خبر واحد: تعداد نقل کنندگان اجمال زیاد نیست اگر خبر واحد را حجت بدانیم اجماع منقول به خبر واحد هم حجت است.

**نکته ۵۲:** اجماع منقول به خبر واحد مفید ظن معتبر است و حجت می باشد.

**نکته ۵۳:** اجماع در تقسیم دیگر عبارت است از: **الف:** اجماع سکوتی؛ **ب:** اجماع مدرکی

**نکته ۵۴:** اجماع سکوتی است اگر در حکمی بعضی فقها سکوت کرده اند و نظر مخالف یا موافق نداده اند که این اجماع حجت نیست.

**نکته ۵۵:** اجماع مدرکی است اگر دلیل نظر علماء به قرآن یا سنت برمی گردد این اجماع به معنای اجمال اصطلاحی نیست زیرا با وجود قرآن و سنت سراغ اجماع نمی داند.

**نکته ۵۶:** دلیل دیگر استنباط احکام شرعی عقل است که پس از اجماع نوبت به آن می رسد، دلیل عقل می تواند مخصص یا مقید قرآن باشد.

**نکته ۵۷:** در تعریف عقل آمده: **کل حکم للفعل یوجب القطع بالحکم الشرعی:**

هر حکم عقلی که موجب قطع به حکم شرعی می گردد.

**نکته ۵۸:** عقل به اعتبار ادراک تقسیم می شود به: **الف:** عقل نظری که مستقیماً نمی تواند به حکم شارع پی ببرد؛ **ب:** عقل عملی که آن هم مستقیم نمی تواند حکم شارع را دریابد.

**نکته ۵۹:** دلیل عقلی بر دو قسم است: **الف:** دلیل مستقل عقلی؛ **ب:** دلیل غیرمستقل عقلی در بحث غیرمستقلات عقلی مقدمه واجب واجب است و اذن در شی اذن در لوازم آن است بحث می شود.

**نکته ۶۰:** در تقسیم واجب، واجب گاهی نفسی و گاهی غیری است.

**نکته ۶۱:** واجب نفسی است یعنی ما واجب لنفسی:

واجبی که مصلحت و داعی در خود آن است.

**نکته ۶۲:** واجب غیری یعنی ما واجب لغيره:

واجبی که برای واجب غیر از خودش واجب شده است.

**نکته ۶۳:** واجب غیری مقدمه واجب و واجب نفسی همان ذی المقدمه است.

**نکته ۶۴:** مقدمه آن است که اگر اتیان نشود اتیان و انجام ذی المقدمه هم اثر ندارد.

**نکته ۶۵:** مقدمه گاهی مقدم بر ذی المقدمه است و گاهی هم زمان با آنکه در این حالت آن را از اجرای داخلی ماهیت مرکب می دانند مقدمه گاهی پس از ذی المقدمه می آید که آن را